

ولیعهدی امام رضا علیه السلام و نقش آن در تحول مفهوم و مصداق «اهل بیت» برای ایرانیان زهره دهقان پور^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

چکیده

مسئله پژوهش حاضر تأثیر ولیعهدی و هجرت امام رضا علیه السلام بر مفهوم و مصداق اهل بیت علیهم السلام نزد ایرانیان است. سؤال مطرح در این پژوهش آن است که «آیا می‌توان تفاوتی بین مفهوم و مصداق اهل بیت نزد ایرانیان در دوره اموی با عباسی و به ویژه از بعد ماجرای ولیعهدی قائل شد؟». ایرانیان از ابتدای آشنایی با اسلام علاقمند به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و شواهد و قرائن بسیاری دال بر این ادعا وجود دارد اما به نظر می‌رسد تفکیکی بین فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر بنی هاشم قائل نبودند. از این رو می‌توان تفاوت‌هایی بین مفهوم و مصداق اهل بیت علیهم السلام نزد ایرانیان در دو دوره امویان و عباسیان و به‌ویژه بعد از حضور امام رضا علیه السلام در ایران قائل شد. با حضور امام رضا علیه السلام در ایران و فراهم شدن زمینه برای برپایی جلسات مناظره و بحث و نظر و به‌ویژه از مسیر گفتمان امامت؛ زمینه معرفی اهل بیت علیهم السلام به ایرانیان مهیا گردید. عدم وجود پژوهشی مستقل در این زمینه؛ ضرورت و اهمیت طرح این پژوهش را بیش‌تر مشخص می‌کند. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع دست اول اسلامی و شیعی و مأخذ متعدد است.

کلید واژه‌ها: ولیعهدی، امام رضا علیه السلام، مفهوم و مصداق، اهل بیت علیهم السلام، گفتمان امامت، ایران.

استناد فارسی (شیوه‌ی APA ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)

دهقان پور، زهره (۱۴۰۱). «ولیعهدی امام رضا علیه السلام و نقش آن در تحول مفهوم و مصداق اهل بیت برای ایرانیان». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال پنجم، شماره سوم، پیاپی ۱۹، صص ۴۳-۶۴.

^۱ استادیار گروه ایران‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه میبد، میبد، ایران. ایمیل: dehghanpour@meybod.ac.ir

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی (Creative Commons Attribution) CCA نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رگیری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

پس از گذشت بیش از یک قرن از حضور اعراب در ایران و آشنایی ایرانیان با مسلمانان و اسلام و با آغاز دعوت عباسیان در اواخر دوره امویان در خراسان و دعوت ایشان با شعار «الرضا من آل محمد» (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۳۶۰/۵)، «الرضا من آل رسول الله صلی الله علیه و آله» (سیوطی، ۱۴۱۲: ۲۷۴)، «ان یدعو الی الرضی من آل محمد» (یعقوبی، بی تا: ۳۴۳/۲؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳۵۸) و «الرضا من آل رسول الله»، بیش تر علاقمندان به تشیع در خراسان هم چنان میان علویان و عباسیان تفاوتی قائل نبودند.

سخن امام صادق علیه السلام به فرستاده ابوسلمه خُلال که فرمود «ابوسلمه شیعه نیست و خراسانیان پیروان ما نیستند» (مسعودی، ۱۴۰۹: ۳/۲۵۴؛ همچنین درباره انتقال خلافت از عباسیان به علویان نک: ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۰: ۱۶۲/۲)، مؤید این مطلب است که تا اواخر دوره اموی و اوایل دوره عباسی، غلبه با شیعیان غیر اعتقادی بود (برای اطلاع از مفاهیم مختلف درباره تشیع نک: جعفریان، ۱۳۸۶: ۲۲ به بعد) و هنوز تشیع به مفهوم دقیق، برای مردم این سامان شناخته نشده بود.

از آن جا که فهم فراز و فرودهای مفهوم «اهل بیت» در ایران، نیازمند مقدمه‌ای درباره گسترش تشیع است و با آن ارتباط مستقیم دارد، اشاره‌ای مختصر به روند نفوذ و گسترش عقاید این فرقه در ایران، قبل از ورود به بحث اصلی ضروری است. در سطور بالا اشاره‌ای هر چند گذرا به وضعیت خراسان انجام شد. برای اثبات بیش تر این ادعا، وضعیت ایالت جبال را - که در کنار خراسان و طبرستان مأمین مهاجران علوی و از مراکز مهم رشد و گسترش اسلام و تشیع بود- مورد بررسی قرار می‌دهیم.

شهر قم از مهم ترین مناطق ایران و ناحیه جبال در پذیرش و گسترش تفکر شیعی است. مرکز اصلی تبلیغات شیعیان ابتدا در کوفه بود و از آن جا از طریق قبایل عرب مهاجر از کوفه به قم سرایت کرد (اشپولر، ۱۳۶۹: ۱/۷۶). هر چند به لحاظ آغاز پذیرش مهاجران عرب، خراسان پیشتاز است (نک: دهقان پور و بیات، ۱۳۹۹: فصل سوم)، اما قم را باید به عنوان پیشگام و مقصد اصلی مهاجران علوی دانست (دهقان پور و بیات، همان).

این مهاجران نخستین کسانی بودند که در ترویج امامت بر اساس نگرش کیسانی در محیط ایران اقدام کردند. بنابراین ایران مرکزی و خراسان پیش از آن که تحت تأثیر تعلیمات تشیع امامی باشد، از اندیشه‌های کیسانی متأثر بود (بهرامی، ۱۳۸۳: ۵۵۳). از این رو بایستی آن را نخستین مرحله تحول فکر تشیع در ایران محسوب کرد هر چند گرایش‌های کیسانی بعداً در موج گسترده تر شیعیان زیدی، قرمطی، اسماعیلی و سپس امامی ادغام و جذب گردید (همان: ۵۵۲).

۱. یعقوبی شعار مزبور را به صورت «یدعوه الی بیعه آل محمد» آورده است.

جعفریان ورود تشیع به ایران را به دو شکل می‌داند:

«شکل نخست آن که گرایش کلی به سمت اهل بیت علیهم السلام بود از طریق داعیان عباسی و نیز سنی شیعه‌هایی ترویج می‌شد که به‌طور عمده در عراق پرورش یافته و احادیثی در ستایش اهل بیت علیهم السلام روایت می‌کردند. در این میان، داعیان عباسی برای پیشبرد اهداف خود به اجبار عنوان کلی اهل بیت را تبلیغ می‌کردند و از این راه اولین بذر تشیع را در میان ایرانیان پراکندند. شکل دوم آن از طریق شیعیان اعتقادی یا امامی مذهب‌بان بود. این گروه که عمدتاً عرب بودند به شکل معین، طایفه اشعریان بودند که به قم آمدند و از آن‌جا تشیع اعتقادی - امامتی را به نقاط دیگر بسط دادند» (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۴۶).

جعفریان بنا به اطلاعات برخی منابع (نک: شوشتری، ۱۳۷۵: ۸۲/۱) نتیجه می‌گیرد مذهب این شهر (قم) از ابتدا تشیع و آن هم از نوع امامتی و اعتقادی بوده است و اشعریان نماینده و پرچمدار این عقیده بودند و در قرون مختلف، مذهب این شهر تغییر نکرده است و نویسندگان طی قرون متمادی، چنین گرایشی را تأیید کرده‌اند (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۹۵). وی هم‌چنین برای اثبات و تأیید این ادعا به این نوشته مادلونگ استناد می‌کند:

«شیعیان قم در وفاداری به امامت، دوازده امامی باقی ماندند و هیچ انشقاق فطحی یا واقفی در میان تعداد بی‌شمار محدثان امامی این شهر یاد نشده است. رهبران اشعری‌های شهر که با حمایت حاکم عباسی، آن‌جا را در کنترل داشتند هم‌چنین به‌عنوان پاسداران امامی مذهب‌بان عمل کردند... بدین ترتیب قم به‌عنوان مرکز عمده حدیث امامی بود که ابتدا در کوفه روایت می‌شد و سپس در جاهای دیگر مورد تهذیب قرار گرفته بود و گردآوری می‌شد» (مادلونگ، ۱۳۷۲: ۱۵۳؛ قس: جعفریان، ۱۳۸۶: ۲۰۰).

در پاسخ و نقد این نظر باید گفت؛ تشیع نیز به مانند هر فکر، عقیده و فرقه‌ای در طول مسیر خود و در طی سال‌ها و قرن‌ها و در برخورد با افکار و جریان‌های مختلف، دستخوش تغییرات و تحولات بسیار می‌گردد. از این رو به‌نظر می‌رسد اشعریان در ابتدا با گرایش کیسانی وارد قم شده باشند و در سال‌ها و قرن‌های بعد، افرادی از این قبیله جزء یاران و اصحاب خاص ائمه شیعه امامیه شده بودند. در نتیجه، گزارش‌های موجود در منابع، درباره عقیده امامی آنان نیز مربوط به قرن‌های بعدتر و زمانی است که این عقیده (امامیه) بعد از فراز و نشیب‌های بسیار در بین آنان تثبیت شده است. برای اثبات این ادعا، به بخش دیگری از اظهارات مادلونگ درباره انتقال تفکر شیعی از کوفه به قم، که ظاهراً از چشم آقای جعفریان مغفول مانده است، استناد می‌کنیم:

«تشیع در کوفه پدیدار شد و تا چندی پس از قیام مختار هیچ‌گونه ریشه‌ای در ایران نداشت... هاشمیه - یکی از فرقی که از نهضت مختار و شیعیان کیسانی جدا شد - اولین گروه شیعی بود که پیام تشیع را به ایران آورد. تا اواخر دوره امویان، بسیاری از ایرانیان پیرو تشیع انقلابی کیسانی شده بودند، ولی پس از پیروزی انقلاب عباسیان و گرایش خلفای عباسی به مذهب اهل سنت، شیعه کیسانی با همان سرعت که پدیدار شده بود از میان رفت و فقط پاره‌ای از معتقدات کیسانی

در بین خرمیان رواج یافت» (دفتری، ۱۳۶۹: ۳۱۶) (به نقل از مادلونگ)؛ هم‌چنین نک: مادلونگ، ۱۳۷۷: ۱۲۹ به بعد).

«کوفه هم‌چنین مرکز نوع دیگری از تشیع نخستین بود که به زودی نام شیعه امامیه به خود گرفت... و در زمان حیات امام صادق علیه‌السلام، تشیع امامیه به قم نیز گسترش یافت» (دفتری، همان).

قیس بن رمانه، از اشعریان کوفه، نخستین فرد این خاندان بود که به ائمه‌ی اظهار علیهم‌السلام پیوست و از اصحاب امامان سجاد، باقر و صادق گردید (مهاجر، ۱۴۲۹: ۱۳۵؛ حیدر سرلک، ۱۳۹۱: ۵۲). در نتیجه، آغاز گروه اشعریان و در واقع چرخش آنان از کیسانیه به سوی امامیه را نمی‌توان متقدم‌تر از زمان امامت امام سجاد علیه‌السلام (۶۱-۹۵ هجری) دانست. موسی بن عبدالله بن سعد بن مالک بن عامر، از اصحاب امام صادق علیه‌السلام، نیز نخستین کسی بود که به ترویج آشکار و بدون تقیه مذهب امامی در قم پرداخت و پس از آن، تشیع امامی، مذهب رسمی اشعریان قم شد (قمی، ۱۳۶۱: ۲۷۸؛ هم‌چنین نک: حیدر سرلک، همان: ۴۷-۸۰).

با تمام این اوصاف، شهر قم را باید نخستین شهر شیعی در حوزه‌ای دانست که به نام ایران شناخته می‌شود، چراکه پیشینه‌ی تشیع آن به ربع آخر قرن اول هجری باز می‌گردد. در حالی که ایران، هنوز گرفتار کشمکش بین پذیرش اسلام و باقی ماندن بر دین آباء و اجدادی خود بود، قم با سکونت اعراب اشعری در آن، مشی مذهبی خود را هم برگزید (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۷۳) حال آن‌که قبل از آنان نیز افرادی با گرایش شیعی از قبایل مذحج و بنی اسد در این شهر استقرار یافته بودند (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۴۹؛ قمی، ۱۳۶۱: ۳۸).

علاقه به اهل بیت علیهم‌السلام در دیگر مناطق ایران نیز وجود داشت گزارش تاریخ سیستان درباره رسیدن خبر شهادت حسین بن علی علیه‌السلام به اهالی سیستان و اظهار تأسف آنان از کشته شدن فرزند پیامبر گویای این امر است:

«معروفست، پس چون این خبر بسیستان آمد، مردمان سیستان گفتند نه نیکو طریقتی بر گرفت یزید که با فرزندان رسول علیه‌السلام چنین کرد، پاره شورش اندر گرفتند» (نویسنده ناشناس، ۱۳۶۶: ۱۰۰).

۲. بیان مسأله

هجرت امام رضا علیه‌السلام به ایران یکی از حوادث مهم تاریخ ایران و اسلام است و پیامدهای بسیاری را برای ایرانیان به همراه داشت. مسأله پژوهش حاضر بررسی تأثیر هجرت امام رضا علیه‌السلام و حضور ایشان در ایران بر تحول مفهوم و مصداق «اهل بیت» است. با این توضیح که بر اساس اطلاعات منابع متعدد تاریخی و ... به نظر می‌رسد در ذهن و ضمیر ایرانیان تفاوت معناداری بین

مفهوم و مصداق «اهل بیت» در دوره قبل از حضور امام رضا علیه السلام در ایران با دوره بعد از حضور ایشان وجود دارد. گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که ساکنان ایران و به ویژه خراسان، به عنوان ایالتی مهم و تأثیرگذار در ایران آن روزگار، تا مدت‌ها بعد از فتوحات و پذیرش اسلام، بین اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزندان عباس (عموی پیامبر صلی الله علیه و آله) تفاوت و تفکیکی قائل نبودند. اما با طرح ماجرای ولیعهدی و حضور امام رضا علیه السلام در ایران به واسطه فعالیت‌های امام رضا علیه السلام و شاگردان و یاران ایشان از طریق جلسات مناظره و ...؛ مفهوم و مصداق واقعی «اهل بیت» عینیت بیش‌تری می‌یابد و این واژه نزد ایرانیان به معنا و مفهوم واقعی نزدیک‌تر می‌گردد. از این رو این امر را می‌توان به عنوان یکی از علل آشنایی بیش‌تر ایرانیان با اهل بیت واقعی مطرح کرد.

این پژوهش در پی آن است تا با واکاوی بیش‌تر منابع به این سؤال که «آیا هجرت و ولیعهدی امام رضا علیه السلام تأثیری بر مفهوم و مصداق اهل بیت نزد ایرانیان داشت؟» پاسخی معقول و منطقی دهد. روش تحقیق در این پژوهش، روش مرسوم و متعارف پژوهش‌های تاریخی؛ یعنی روش توصیفی - تحلیلی، است و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای می‌باشد.

درباره منابع استفاده شده در این مقاله باید گفت که منابع قرن‌های اولیه کم‌تر به ماجرای ولیعهدی و به‌ویژه حوادث و اتفاقات پس از آن پرداخته‌اند از این رو نگارنده در انجام این پژوهش علاوه بر استفاده از منابع قرن‌های اولیه، ناگزیر از رجوع بیش‌تر به منابع متأخر شیعی گردید. اطلاعات و گزارش‌های تاریخی گویای نبود تفکیک از طرف ایرانیان بین گروه‌های مختلف علوی، طالبی و عباسی و در مواردی قرار دادن همه‌ی این گروه‌ها ذیل عنوان «اهل بیت» است. همین امر نشان دهنده‌ی اهمیت مسأله طرح شده در این پژوهش و دلیلی است بر ضرورت انجام آن.

هم‌چنین، قلمرو مکانی تحقیق، ایران و به ویژه خراسان قرن‌های اولیه است. در رابطه با قلمرو زمانی تحقیق، پژوهشگر با محور قرار دادن ولیعهدی و حضور امام رضا علیه السلام در خراسان، به مقایسه - ای اجمالی بین دوره‌ی قبل از حضور ایشان و دوره‌ی بعد از هجرت می‌پردازد.

۳. ادبیات تحقیق

درباره پیشینه این پژوهش باید گفت؛ درباره امام رضا علیه السلام و هجرت ایشان به ایران و ماجرای ولیعهدی، مقالات و آثار بسیاری تألیف شده است، اما تا آن‌جا که نگارنده اطلاع دارد، مسأله مطرح شده در این پژوهش، یعنی تأثیر هجرت امام رضا علیه السلام بر تحول مفهوم و مصداق «اهل بیت» تاکنون به‌طور مستقل یا غیر مستقل در پژوهشی مورد بررسی قرار نگرفته است.

مقاله‌ای با عنوان «دیدگاه امام رضا علیه السلام درباره حقوق اهل بیت و وظایف مردم در قبال امامان» به قلم آقای محمد رضا جوهری منتشر شده که با مسأله و سؤالی متفاوت به تحقیق درباره «اهل بیت» از دیدگاه امام رضا علیه السلام پرداخته است و از این مقاله در پژوهش حاضر نیز استفاده شده است.

مقاله بعدی با عنوان «امامت عامه و خاصه در احادیث امام رضا علیه السلام» نیز از دیگر مقالاتی است که تا حدی با مقاله پیش گفته نزدیک است.

مقاله "People of the House" (اهل بیت) نیز به قلم شارون است و در دایره المعارف قرآن^۱ به چاپ رسیده است که به طور کلی به واژه شناسی و بررسی معنای لغوی و اصطلاحی این عبارت می‌پردازد.

از این رو، می‌توان سؤال مطرح شده در این پژوهش که «آیا هجرت و ولیعهدی امام رضا علیه السلام توانست تأثیری بر مفهوم و مصداق اهل بیت در ایران داشته باشد؟» را سؤالی متفاوت از سؤال و دغدغه پژوهش‌های انجام شده و از جمله نوآوری‌های این کار دانست.

۴. واژه شناسی «اهل بیت»

معنای لغوی: «اهل» در لغت به معنای طایفه، فامیل، خانواده، بستگان و اهل مرد است (فهری، ۱۳۸۰: ذیل واژه اهل؛ انیس و همکاران، ۱۳۹۲: ذیل واژه اهل؛ ابن منظور، بی‌تا: ذیل واژه اهل).

معنای اصطلاحی: این واژه در اصطلاح به «اهل بیت پیامبر» اطلاق می‌شود (فهری، همان) و یک استعمال قرآنی است و مسلمانان به تبعیت از قرآن (احزاب: ۳۳؛ هود: ۷۳؛ قصص: ۱۲) آن را به کار می‌برند (کنانی و گل گلی، ۱۳۸۸: ۸۸). تحقیقات پر دامنه و دقیقی که مفسران و محدثان و دانشمندان علوم و معارف اسلامی انجام داده‌اند، نشان می‌دهد که هدف و منظور آیه شریفه ۳۳ سوره احزاب از «اهل بیت»، پنج تن آل عبا است (قلی پور، ۱۳۸۵: ۲۵؛ برای اطلاع از نظر منابع سنی درباره معنای اهل بیت نک: کنانی و گل گلی، همان: ۸۷-۱۱۴ و هم‌چنین برای اطلاع از مصادیق اهل بیت در قرآن نک: قلی پور، همان، ۳۰ به بعد).

در نگاه شیعه؛ اهل بیت منحصر به پیامبر صلی الله علیه و آله، علی، فاطمه و حسین علیهم السلام است (نک: طوسی، بی‌تا: ۸ / ۳۳۹ به بعد؛ طبرسی، ۱۴۰۸: ۲۲۷/۷؛ طباطبایی، بی‌تا: ۹ / ۱۷۸ و ۳۱۲) و از نظر اهل سنت، علاوه بر پنج تن آل عبا، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز در بر می‌گیرد (بیضاوی، ۱۳۶۶: ۳۸۲/۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۸۲/۱۴ به بعد؛ ابن کثیر، بی‌تا: ۳۶۴/۶-۳۷۰؛ قس: محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۱-۵۸).

¹. Encyclopedia of the Quran.

۵. تحول مفهوم و مصداق «اهل بیت» پس از ولیعهدی امام رضا علیه السلام

بنا به اعتقاد برخی کاربرد عبارت «اهل بیت» برای دلالت بر وضعیت شرافت و رهبری، به زبان یا فرهنگ عرب منحصر نیست و در اغلب فرهنگ‌ها و در میان بسیاری از ملل دنیای باستان و از جمله ایران و روم رواج داشته است (Sharon, 1986: 51).

عباسیان نیز اساس ادعای مشروعیت حکومت خود را بر مبنای همین مسأله قرار دادند که آنان نیز جزء خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند و بر خلاف شیعیان، که عقیده داشتند «اهل بیت» شامل پنج تن می‌شود، آنان کوشیدند تا دامنه این خانواده را طوری توسعه دهند که شامل عباس، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله، نیز بشود و به این وسیله تأکید کنند که زنان هر قدر شریف و مقدس باشند، نمی‌توانند منشاء «نسب» تلقی شود و عمو در غیاب پدر، برابر با پدر است و البته این ریشه در فرهنگ جاهلی عرب داشت (Sharon, 1986: 51, 52). گزارش‌هایی درباره استفاده پیشوایان عباسی از عبارت «اهل بیت» وجود دارد (نک: ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۵ / ۳۴۸: انک رجل منا اهل البیت).

در دوره عباسی تشیع اعتقادی به تدریج در خراسان به دلایل مختلف و از جمله مهاجرت علویان روندی رو به رشد گرفت. در این بین، هجرت امام رضا علیه السلام به خراسان، نقطه‌ی عطفی در تاریخ اسلام و ایران و عامل مهمی برای گسترش تشیع امامی در این منطقه شد. مهاجرت و حضور فردی از خاندان اهل بیت علیهم السلام به شرق دنیای اسلام و خراسان آن روزگار، یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ ایران و اسلام است، حضوری که در طول دوره‌ی امامت هیچ یک از ائمه علیهم السلام ممکن نشد.

۶. آشنایی با «اهل بیت» از پنجره‌ی گفتمان امامت

امامت از همان ابتدا به‌عنوان یکی از بحث برانگیزترین و مهم‌ترین مسائل جامعه‌ی اسلامی مطرح بود و در واقع سرآغاز اختلافات فرقه‌های اسلامی به اختلاف بر سر این مسأله بر می‌گشت. اهمیت بحث امامت به حدی است که در تقسیم‌بندی اولیه در آثار و تألیفات کلامی، مسائل عمده درباره‌ی اندیشه و عقاید گوناگون اسلامی به دو دسته تقسیم می‌شود: اول آن‌چه مربوط به بحث امامت است و دوم هر آن‌چه به دیگر اصول اعتقادی می‌پردازد (طوسی، ۱۳۵۸: سی و چهار). امامت یکی از ارکان اصلی اندیشه شیعیان اثنی عشری در بعد سیاسی - مذهبی است.

واژه‌ی امام از ریشه «ام» و در لغت به معانی «آنچه مورد تبعیت و اقتدا قرار گیرد، مقدم، قیّم و سرپرست طریق و راه و ناحیه» آمده است (ضیایی و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۲ به بعد). این واژه در قرآن نیز به اغلب معانی لغوی آن به کار رفته است (همان). دانشمندان اهل سنت، مسأله امامت را صرفاً به‌عنوان نظریه‌ای سیاسی و به‌عنوان یکی از مباحث فروع و متعلق به دانش فقه تلقی کرده‌اند.

متکلمان شیعه بر اساس این دیدگاه که نظریه‌ی امامت، از ارکان آموزه‌های دینی است، بحث از آن را در آثار کلامی طرح می‌کنند(همان، ۵۰ و ۵۱).

همه‌ی گروه‌های شیعی صرف نظر از اختلافات جزئی، در بحث امامت اتفاق نظر داشتند. البته در ضرورت امامت و وجوب آن، بین همه‌ی مذاهب اسلامی اشتراک و اتحاد نظر وجود دارد؛ با این تفاوت که وجوب آن از منظر شیعه، عقلی و از نظر اهل سنت نقلی است و بالاتر آن که در نظر شیعه از اصول مذهب و در منظر اهل سنت از فروع مذهب است(قائدان، ۱۳۸۶: ۹۳-۱۲۱). البته در نوع ضرورت امامت و وجوب آن در میان فرقه‌های شیعه اختلاف است؛ برخی آن را ضرورت دینی و الهی و برخی نیز ضرورت سیاسی می‌دانند و برخی نیز معتقد به هر دو هستند(همان).

تفکرات زید بن علی و پیروانش در خصوص قیام به شمشیر و نیز اجرای امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان یکی از وظایف اصلی امام، ضرورت دست‌یابی به حکومت و نیز امامت بر اساس شمشیر را مورد تأکید قرار می‌دهد (قاسم بن محمد، ۱۹۸۰: ۶۰). از این رو، ضرورت امام نزد آنان ضرورت سیاسی است و نه دینی، و زیدیان با چنین تفکری نخستین اختلاف را در اندیشه‌ی کلامی و سیاسی شیعه پدید آوردند(قائدان، ۱۳۸۶: ۹۹-۱۰۱)؛ هم‌چنین برای اطلاع بیش‌تر از عقاید زیدیان در مورد امام و ویژگی‌های آن نک: دهقان پور و بیات، ۱۳۹۹: فصل سوم، گفتار دوم، زیدی).

در مقابل، در اندیشه سیاسی شیعه امامیه، ضرورت امامت ضرورت دینی و نه سیاسی است هر چند اجرا و دخالت در امور و شئون سیاسی نیز از وظایف امام بود(قائدان، همان: ۱۰۴). در مجموع، پذیرش مردم و مقبولیت عام برای امام از تفکرات برجسته زیدیه است. در باور آنان امام شخصی نبود که از پیش تعیین می‌شود و امت تنها مکلف به پذیرش امامت او باشد، بلکه پذیرش امت نقشی اساسی دارد. در مقابل، در تفکر امامیه و اسماعیلیه؛ امامت، منصبی الهی است و از جانب خداوند تعیین می‌شود. آنان امامت را برترین ارکان دین می‌دانند و معتقد هستند امام علی علیه‌السلام به امر الهی و نص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در زمان حیاتش برگزیده شد و امامت به طور موروثی در نسل علی و فاطمه از طریق حسین ادامه می‌یابد و جانشین امام بعدی از طریق نص امام قبلی صورت می‌گردد(قائدان، همان: ۱۰۶). از این رو می‌توان برای امامت از دیدگاه امامیه و اسماعیلیه شباهت‌هایی قائل شد. باید توجه داشت که گرچه دیدگاه زیدیه با امامیه در مسأله امامت متفاوت است اما این به معنای عدم قبول و رد دیگر اهل بیت و از جمله امامان مورد قبول امامیه از سوی زیدیه نیست بلکه آنان نیز هم‌چون امامیه، مرجعیت کتاب و عترت را از اساسی‌ترین اعتقادات خود می‌دانند و حتی از به کار بردن عنوان «امام» برای دیگر بزرگان اهل بیت دریغ نداشته و روایات آنان را نقل کرده و برای آنان احترام ویژه‌ای قائل بوده‌اند(نک: ۱۳۸۱: ۱۵۶-۱۸۶).

در عصر امام رضا علیه‌السلام، امامت دیگر تنها در بافت منقولات صرفاً روایی، قابل بحث نبود و پرسش‌های تازه‌ای در میان مسلمانان در این باره مطرح شده بود که لزوم ورود به پاره‌ای مباحث

عقلانی را نشان می‌داد و یا به تعبیر دیگر، رویکرد درایی و استدلال عقلی را ایجاب می‌کرد؛ همین پرسشگری‌ها باعث مشخص شدن بسیاری از مرزها و آشکار شدن هر چه بیش‌تر تفاوت‌ها می‌شد.

پرسش‌هایی از این دست که ملاک نیازمندی به امام در جامعه چیست؟ چه کسی بایستی پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله حکومت کند؟ آیا امام باید از جانب خدا تعیین شود یا اینکه می‌تواند از ناحیه مردم انتخاب و منصوب گردد؟ بحث از چنین مسائلی، گواه روشنی بود بر آن که جامعه نسبت به مباحث مربوط به امامت حساسیت افزون‌تری یافته است (نک: کمپانی زارع، ۱۳۸۷: ۴۳).

در مسند الامام الرضا علیه السلام حدود پانصد حدیث در «فصل الامامه» آمده که این حجم حدیث در این موضوع حیرت‌انگیز است (عطاردی، ۱۴۰۶: ۴۷). شاید مبالغه نباشد که گفته شود مهم‌ترین مبحث مبتلابه عصر ایشان، مسأله امامت بود که علاوه بر قرائن فوق، دلیل مهم دیگری نیز در آن دخیل بود و آن مطرح شدن حق «اهل بیت» برای خلافت بود که مأمون ظاهراً به آن گردن نهاده بود و حضرت رضا علیه السلام نیز تلویحاً و تصریحاً درباره آن سخن می‌گفت (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۲/۱۵۸؛ قس: کمپانی زارع، همان: ۴۳). تلاش امام رضا علیه السلام برای اثبات حقانیت اصول اساسی تشیع و نهادینه کردن تشیع ناب عقیدتی را - که همان اسلام راستین بود - می‌توان از لابلای گزارش‌ها و روایاتی دریافت که منابع نقل کرده‌اند. امام رضا علیه السلام در مورد حقانیت ولیعهدی خود می‌گوید:

«من علی بن موسی بن جعفرم و می‌گویم که امیر مأمنان (مأمون) - که خداوند در درستکاری او را یاری کند و او را بر صراط مستقیم موفق بدارد - از حقوق ما خاندان، حقی را شناخت که دیگران آن را نشناختند و رحمی را که دیگران قطع کرده بودند وی وصل نمود» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۲/۱۵۸).

ایشان در ادامه به اهمیت وحدت و انسجام اسلامی در دیدگاه امام علی علیه السلام نیز اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«شخص وصی (علی بن ابی طالب) بر آن نابکاری‌ها صبر کرد و پس از آن نیز در دوران زمامداری معترض آن نشد از بیم آن که مبادا تفرقه ایجاد شود و اسلام سست گردد و رشته وحدت و اتحاد مسلمین از هم بگسلد» (ابن بابویه، همان).

این روایت اهمیت دو مسأله امامت و وحدت را بار دیگر از نظر امام رضا علیه السلام - به عنوان ادامه دهنده راه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه علیهم السلام - گوشزد می‌کند. امام رضا علیه السلام که به سطحی‌نگری پاره‌ای از مسلمانان در امر امامت واقف بودند، صریحاً هر گونه دسترسی عقول بشری را به این ساحت اعلی محال می‌دانستند و بر آن بودند که آن‌چه شناختنی و دریافتنی نیست انتخاب کردنی نیز نمی‌باشد:

«هل يعرفون قدر الامامه و محلها من الامامه فیجوز فیها اختیارهم؟ ان الامامه أجل قدراً و شأناً و اعلی مکاناً و أمتع جانباً و أبعد غوراً من أن يبلغها الناس»

«آیا مقام و منزلت امام را در میان امت می‌دانند تا انتخاب و اختیار آنان در آن روا باشد. امامت قدرش والاتر و شأنش بزرگ‌تر و منزلتش عالی‌تر و مکانش منبع‌تر و ژرفایش عمیق‌تر از آن است که مردم با عقل خود به آنان نائل شوند یا به آرائشان آن را دریابند و یا به انتخاب خود امامی منصوب کنند» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱/۱۹۶؛ کمپانی زارع، ۱۳۸۷: ۴۴).

حضرت رضا علیه‌السلام در راستای تثبیت جایگاه دینی و الهی امام از مفاهیمی هم‌چون حجت، ولایت و امامت استفاده کرد تا از این طریق به تقابل با مفهوم محوری خلافت از سوی عامه برآید. به‌عنوان نمونه حضرت در مرو خطبه معروف به «منشور امامت» را ایراد کرد و در آن برای اثبات جایگاه والای امامت به داستان حضرت ابراهیم علیه‌السلام اشاره کرد، زمانی که وی پس از مقام نبوت و خلت در مرحله سوم و پایانی از عمرش به امامت رسید (ابن بابویه: همان؛ میرحسینی، ۱۳۹۲: ۳۲۵).

چنان مسأله امامت برای حضرت رضا علیه‌السلام اهمیت داشت که به‌عنوان مهم‌ترین گفتمان آن حضرت شناخته شده و آن جناب به‌عنوان امامی که بیش‌ترین نقش را در تثویز عینی امامت شیعی داشت معرفی شده است (میرحسینی، همان: ۳۲).

امام رضا علیه‌السلام در سخنان خود دائماً از اوصاف و ویژگی‌های امامان سخن می‌گوید و حتی گاه به بیان جزئیات تولد ایشان نیز اشاره می‌کند. خیل عظیم خصایلی که از ناحیه ایشان درباره‌ی امامان گفته شده بدون شک ما را در شناخت و مصداق‌یابی امام یاری می‌رساند. (نک: ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱/۱۹۲؛ کمپانی زارع، ۱۳۸۷: ۴۵). این ویژگی‌ها در سه محور کلی مطرح می‌شود: ۱. منزلت امام نزد خداوند ۲. ارتباط امام با مردم ۳. شخصیت علمی و معنوی امام (نک: تراابی، ۱۳۸۲: ۴-۲۰).

یکی دیگر از مباحثی که در مورد مقام امامت در فرمایشات ایشان برجستگی دارد تبیین اهمیت و منزلت امام در جهان هستی و برکاتی است که از وجود ایشان به دیگر انسانها و به ویژه به مسلمانان می‌رسد؛ ایشان در این باره می‌فرمایند:

«امامت زمام دین و باعث نظم مسلمین و صلاح دین و عزت مؤمنین است. امامت پایه بالنده اسلام و شاخه و نتیجه والای آن است. به وسیله امام است که نماز، زکات، روزه، حج و جهاد به کمال می‌رسد» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱/۱۹۶ و ۱۹۷؛ کمپانی زارع، ۱۳۸۷: ۴۵-۴).

ایشان با استناد به آیه شریفه «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا» کمال یافتگی دین الهی را در گرو امر امامت می‌دانند و تصریح می‌کند:

«هر کس گمان کند خداوند دین خود را کامل نکرده و تعیین امام ننموده در حقیقت کتاب خدا را رد کرده و هر کس کتاب خدا را رد کند کافر است» (نک: ابن بابویه، همان: ۱/۱۹۵؛ کمپانی زارع، همان).

در یکی از موارد معروف، ایشان در مجلسی در حضور مأمون در میان علمای فرق مختلف در بحث از آیه «ثم اورثنا الكتاب ألدین اصطفینا من عبادنا» اهل مجلس را متوجه خطایی که در تفسیر

این آیه مرتکب شده‌اند می‌نمایند و سپس توضیح می‌دهد که «اصطفاء» در این آیه به دوازده دلیل قرآنی، خاص اهل بیت پیامبر است. ایشان هم‌چنین برای اثبات امر امامت به آیات وجوب اطاعت از اولوالامر (نساء: ۵۹)، دعای حضرت ابراهیم درباره فرزندان (بقره: ۱۲۴)، نزول فرشتگان و روح در هر شب قدر (قدر: ۴)، آیه ولایت (مائده: ۳)، آیه تبلیغ (مائده: ۶۹)، آیه‌ای که به زکات دادن در حال رکوع دلالت دارد (مائده: ۵۵)، آیه ۲۰ سوره شوری^۱ و آیه ۳۳ احزاب^۲ استناد می‌کند (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۹۵/۱ به بعد، ۲۰۷/۱ به بعد).

از جمله احادیثی که عمدتاً محور استدلال ایشان بود می‌توان از حدیث غدیر خم، حدیث ثقلین، حدیث دوازده امام از قریش، حدیث منزلت (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۳۰/۲ و ۱۶۴/۲؛ ۱۹۵/۱ به بعد، ۲۰۷/۱ به بعد)، برشمردن نام ائمه تا حضرت قائم (ابن بابویه، همان: ۱۳۰/۲) و حدیث تطهیر (ابن بابویه، همان: ۲۰۷/۱) نام برد. بیان این سخنان و نام بردن از ائمه می‌توانست در آشنا شدن مردم با اهل بیت واقعی بسیار کارساز و راهگشا باشد.

ریان بن صلت می‌گوید امام رضا علیه السلام در مرو در مجلسی که مأمون با حضور علمای عراق و خراسان برگزار کرد در تفسیر آیه اصطفاء (فاطر: ۳۲)، منظور از برگزیدگان الهی در این آیه، را عترت طاهره دانست و طهارت عترت را بر اساس آیه تطهیر ثابت نمود و با استناد به حدیث ثقلین تفکیک ناپذیری قرآن و عترت را به حاضران آموخته و در ادامه با تأکید بر اینکه عترت همان «آل» است تفسیر آل به امت را با توجه به آیه‌های قرآن نفی نموده و انحصار عترت و آل‌البیت در امامان را تبیین نموده است. سپس برتری عترت و اهل بیت بر دیگر انسان‌ها، اصطفای اهل بیت و اعلمیت آنان، پیوند اولوالامر و اهل بیت و ضرورت اطاعت کامل از آنان را با نمایاندن فضایل اهل بیت بر اساس آیه‌های قرآن آشکار ساخته است (نک: ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۲۰۷/۱ به بعد؛ جواهری، ۱۳۹۲: ۶۱-۸۶). امام رضا علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است:

«الائمة من ولد الحسين من اطاعهم فقد اطاع الله و من عصاهم فقد عصى الله عزوجل هم عروه الوثقى هم الوسيلة الى الله»

«امامان از فرزندان حسین‌اند هر کس از آنان اطاعت کند و فرمان برد از خدا اطاعت کرده و هر کس معصیت و نافرمانی آن کند خدای عزوجل را معصیت کرده است. آنان عروه الوثقی و وسیله و راهنمای به سوی خدای عزوجل هستند» (ابن بابویه، همان: ۶۳/۲؛ جواهری، همان).

از این رو امام رضا علیه السلام به تبیین مفهوم و مصادیق اهل بیت علیه السلام به مفهوم امامی آن پرداخت و آن را اثبات کرد. چه اهل بیت از دیدگاه شیعه امامی، پنج تن بودند که شامل پیامبر، فاطمه، علی، حسن و حسین بودند و دایره اهل بیت پس از امام حسین علیه السلام از منظر شیعه امامی، فرزندان حسین

۱. «قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة ذی القربى».

۲. «... انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهیرا».

از نسل علی بن حسین می باشد که تا امام غایب واضح و مشخص هستند (نک: ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱/ ۲۰۷ به بعد). این مسأله که امامت حق علویان است از نکاتی است که ولایتعهدی امام و فعالیت های سیاسی و فرهنگی ایشان پس از ولایتعهدی، نقش چشمگیری در اثبات آن داشته و می توان آن را از انگیزه های امام رضا علیه السلام برای پذیرش ولایتعهدی دانست. در این زمینه گذشته از اقدامات امام رضا علیه السلام به طور مستقیم یا با واسطه و به وسیله شاگردان و شیعیان ایشان، نباید از نقش مأمون به طور خاص و به عنوان خلیفه عباسی نیز غافل شد.

تلاش واقعی در جهت مرز بندی و مشخص کردن اهل بیت واقعی و نهادینه کردن تشیع اعتقادی و به ویژه در ایران نیز را باید مرهون تلاش ها و مجاهدت های امام رضا علیه السلام و شاگردان و شیعیان و فراهم شدن فضایی دانست که به لحاظ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در مدت حضور ایشان در ایران مهیا شد. شاید بتوان گفت مهم ترین رخداد دوره امامت امام رضا در بعد فرهنگی، حضور چند ساله (۲۰۰-۲۰۳ هجری) ایشان در شرق دنیای اسلام آن روز می باشد. شرایطی که در طول سلسله امامت برای دیگر امامان پیش نیامد و این خود فرصتی گران بها برای امام بود تا معارف شیعی را مستقیم و بدون واسطه برای خراسانیان دستدار اهل بیت که هنوز تفکیک روشنی میان مصادیق این خاندان نمی کردند بیان کند (صفری فروشانی، ۱۳۸۸: ۵۸-۵۹).

از این رو می توان تلاش های امام رضا علیه السلام و شاگردان و شیعیان و مهاجران دوره حضور ایشان در ایران را به عنوان دوره ای مهم و تأثیرگذار از گسترش تشیع در ایران و به عنوان حلقه ای مفقوده در بررسی سیر گسترش اسلام در بین ایرانیان و آن هم اسلامی با قرائت شیعی مطرح کرد. امام رضا علیه السلام در مجلس مناظره با علمای عراق و خراسان درباره اهل بیت فرمود:

«نحن اهل الذکر الذین قال الله عزوجل: فاستلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون» (ابن بابویه،

۱۴۰۴: ۱/ ۲۱۶).

در این حدیث رضوی مأموریت الهی مردم در سؤال از اهل ذکر بیان شده و مصداق «اهل ذکر» نیز «اهل بیت» معرفی شده اند. بنابراین، باید حقایق و معارف دینی را با پرسیدن از اهل بیت آموخت (ابن بابویه، همان: جواهری، ۱۳۹۲: ۶۴-۶۵). ایشان هم چنین در فضیلت دوستی اهل بیت می فرمایند: «جروا الینا کل موده» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴۷/۷۵؛ جواهری، همان: ۷۷).^۲ هم چنین امام رضا علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

«من احبنا اهل البیت حشره الله تعالی آمناً یوم القیامه» هر کس ما اهل بیت را دوست بدارد خداوند روز قیامت او را در حال امن، سلامت و دل آرامی محسوس می کند (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۶۴/۲).

۱. «نحن اهل الذکر فاستلونا ان کنتم لا تعلمون» ما اهل ذکریم پس از ما سوال کنید اگر نمی دانید» (نحل: ۳۴).

۲. (همه مودت را به سوی ما جذب نمایید و بکشانید).

امام رضا علیه السلام هم‌چنین در تبیین منظور از «نعیمی» که به حکم قرآن در روز قیامت از همه درباره آن سؤال خواهد شد (تکاثر: ۸) فرمودند:

«النعیم حبنا اهل البیت و موالاتنا یسال الله عباده عنه بعد التوحید و النبوه» (ابن بابویه، همان:

۱/۳۷/۲)

هم‌چنین یکی دیگر از مباحثی که درباره مقام امامت در فرموده‌های امام رضا علیه السلام برجستگی ویژه‌ای دارد تأکید ایشان بر وحدانیت امام در هر عصری می‌باشد (نک: جواهری، ۱۳۹۲: ۴). به نقل از فضل بن شاذان نیشابوری، امام رضا علیه السلام در بیان فلسفه فرمان خداوند بر وجوب اطاعت از امامان، علل بسیاری را ذکر کرده است و ضمن یادآوری این که امامان امین، سرپرست و رئیس دین و دنیای بشرند فرموده‌اند:

«ومنها انه لو لم یجعل لهم اماما قیما امینا حافظا مستودعا لدرست المله و ذهب الدین و غیرت

السنن و الاحکام و لیزاد فیہ المبتدعون و نقص منه الملحدون و شبهوا ذلک علی المسلمین»

«از آن علل است این که اگر خدا پیشوایی امین، حافظ و سرپرستی مطمئن برای مردم قرار ندهد دین و آیین نابود می‌شود، سنت‌ها و احکام تغییر می‌یابد و بدعت گزاران در دین می‌افزایند و ملحدان از آن می‌کاهند و آن را بر مسلمانان مشتبه می‌سازند» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۲/۲۰۳-۲۰۵).

فضل بن شاذان نیشابوری در تبیین علل احکام الهی در فلسفه فرمان خدا به خلق درباره اقرار به توحید، نبوت و امامت علل زیادی را از قول امام رضا علیه السلام گزارش کرده است (ابن بابویه، همان: ۲/۲۰۰-۲۰۲؛ هم‌چنین نک: جواهری، همان: ۶۸). در مواردی نیز امام با مسلمانان درباره مسائلی هم‌چون امامت، جانشینی و امامت امام علی علیه السلام به طور ویژه بحث می‌کرد چنان که در مجلسی با یحیی بن ابی ضحاک سمرقندی، از اهالی خراسان، در مورد مسأله امامت سخن راند (نک: ابن بابویه، همان: ۲/۲۵۵ و ۲۵۶؛ در مورد روایات دیگر از امام در مورد امامت نک: جواهری، همان: حسینی، ۱۴۳۳: ۲۳-۳۳؛ حسینی، ۱۳۸۸: ۹-۲۱؛ حسینی، ۱۳۸۲: ۳۹-۴۰).

نشست‌های علمی امام رضا علیه السلام با دانشمندان ادیان و مذاهب گوناگون نیز زمینه بحث درباره امامت را بیش‌تر فراهم کرد نک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹: ۵۵-۸۶؛ در مورد امامت خاصه نک: همان: ۷۹ به بعد). هم‌چنین حضور امام علی علیه السلام در خراسان برای اولین بار سبب گردید تا شیعه به عنوان یک ایدئولوژی از سوی خلافت عباسی پذیرفته شود زیرا پیش از این شیعه به مثابه یک جریان مخالف خلافت عباسی در برابر خلفا می‌ایستاد (اکبری، ۱۳۸۶: ۴۲).

قندوزی نامه مأمون به عباسیان را به هنگام تصمیم‌گیری برای انتخاب امام رضا علیه السلام به ولیعهدی نقل کرده است. مأمون در این نامه که با تمجید از امام علی علیه السلام و محاسن وی به‌عنوان

۱. (نعیم، دوستی ما اهل بیت و موالات ماست).

اولین فرد مسلمان بعد از خدیجه است ایشان را صاحب ولایت در غدیر خم و فاتح خیر می‌داند (قندوزی، ۱۴۱۶: ۳/ ۳۷۵ به بعد (به نقل از مسکویه در کتاب ندیم الفرید). مأمون مجالس بحث و نظر برپا می‌کرد و مخالفان اهل بیت را جمع می‌کرد و درباره امامت علی علیه‌السلام و تفضیل وی بر همه صحابه سخن می‌گفت (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۲/ ۱۹۹). وی هم‌چنین در مجالسی با حضور اهل حدیث و کلام، به برتری علی علیه‌السلام بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تأکید می‌کرد (ابن بابویه، همان: ۲۰۰ به بعد).

۷. نتیجه‌گیری

شواهد و قرائن تاریخی بسیاری دال بر علاقه‌ی ایرانیان به خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از همان نیمه اول قرن اول هجری وجود دارد اما به نظر می‌رسد آنان به دلایل مختلف بین فرزندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و دیگر بنی‌هاشم قائل به تفکیک و تمایز نبودند. این روال در سراسر دوره اموی، برخلاف نفوذ و گسترش تشیع در بسیاری از مناطق ایران، در جریان بود و عباسیان نیز از این شرایط استفاده کردند و با شعار دو پهلوی و مبهم «الرضا من آل محمد» از این موقعیت بهره بسیار جستند. عباسیان اساس ادعای مشروعیت حکومت خود را بر مبنای این مسأله قرار دادند که آنان نیز جزء خاندان پیامبر هستند. یکی از دلایل انتخاب شعار چند پهلوی و مبهم «الرضا من آل محمد» از طرف داعیان عباسی را می‌توان اعتقاد آنان به این قضیه و عدم آگاهی ایرانیان از حقایق و موقعیت‌های موجود دانست. این روند تا اوایل قرن سوم هجری و با تغییر سیاست مذهبی مأمون خلیفه عباسی نسبت به علویان و ائمه (به نسبت خلفای پیشین) و انتخاب امام رضا علیه‌السلام به ولیعهدی و هجرت ایشان به ایران ادامه یافت. به نظر می‌رسد با حضور امام علیه‌السلام در ایران و با تلاش ایشان در قالب جلسات مناظره و شکل‌گیری گفتمان امامت از طرف ایشان مفهوم و مصداق «اهل بیت» برای ایرانیان بار دیگر بازتعریف و مشخص شد و ایرانیان توانستند از زبان یکی از ائمه شیعه، معنای حقیقی و دقیق این واژه را دریابند. دوره عباسی تشیع اعتقادی به تدریج در خراسان به دلایل مختلف و از جمله مهاجرت علویان روندی رو به رشد گرفت. در این بین هجرت امام رضا علیه‌السلام به خراسان نقطه عطفی در تاریخ اسلام و ایران و عامل مهمی برای گسترش تشیع امامی در این منطقه بود. در این بین امام رضا علیه‌السلام با تفسیر آیات قران و روایات اهل بیت علیهم‌السلام به باز تعریف این مفهوم پرداخت.

از این رو می‌توان تلاش واقعی در جهت مرز بندی و مشخص کردن اهل بیت واقعی و نهادینه کردن تشیع اعتقادی و به ویژه در ایران را مرهون تلاش‌ها و مجاهدت‌های امام رضا علیه‌السلام و شاگردان و شیعیانش و فراهم شدن فضایی دانست که به لحاظ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در مدت حضور ایشان در ایران مهیا شد.

منابع

قرآن

- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵). *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر - دار بیروت.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴). *عیون اخبار الرضا (ع)*، تصحیح و تعلیق و تقدیم شیخ حسین الاعلمی، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۵). *کمال الدین و تمام النعمه*، صححه و علق علیه علی اکبر غفاری، قم: بی نا.
- ابن قتیبه دینوری، ابومحمد عبدالله بن مسلم (۱۴۱۰). *الإمامه و السیاسه المعروف بتاریخ الخلفاء*، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالأضواء، ط الأولى.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (بی تا). *تفسیر القرآن العظیم*، محقق محمد حسین شمس الدین، لبنان: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- ابن منظور (بی تا). *لسان العرب*، بیروت: دار الصادر.
- اشپورلر، برتولد (۱۳۶۹). *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ج ۱ و ۲، ترجمه ی جواد فلاطوری (ج ۱) و مریم میر احمدی (ج ۲)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اکبری، امیر و بهمن براتی دشت بیاض (۱۳۸۶). «نقش امام رضا علیه السلام در وحدت دینی و انسجام اسلامی در عصر عباسی»، مشکوه، شماره ۹۶ و ۹۷، صص ۳۴-۴۶.
- انیس، ابراهیم و عبدالحلیم منتصر و عطیه الصوالحی و محمد خلف احمد (۱۳۹۲). *فرهنگ المعجم الوسیط*، ترجمه محمد بندر ریگی، قم: انتشارات اسلامی.
- بشیر، حسن (۱۳۹۲). *امام رضا (ع) و گفتمان امامت: مجموعه مقالات ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا (ع)*، سرپرست علمی احمد پاکتچی، به اهتمام مرتضی سلمان نژاد، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۴۷/۲-۲۸۰.
- بهرامی، روح الله (۱۳۸۳). *ریشه های فکری و سیاسی جنبش های کیسانی و نقش آن در زوال خلافت اموی (رساله دکتری)* دانشگاه تربیت مدرس (این پایان نامه در قالب کتابی با عنوان کیسانیه، جریان های فکری و تکاپوهای سیاسی تأملاتی جدید در باب زوال امویان و بر آمدن عباسیان) در انتشارات پژوهشکده تاریخ اسلام سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است).
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (بی تا). *انوار التنزیل و اسرار التأویل (تفسیر بیضاوی)*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ترابی، احمد (۱۳۸۲). «جایگاه امامت از دیدگاه امام رضا (ع)»، مشکوه، شماره ۸۰، صص ۲۰-۴.
- ترکمنی آذر، پروین (۱۳۸۴). «فعالیت سیاسی شیعیان اثنی عشری در ایران (از ورود مسلمانان تا تشکیل حکومت صفویه)»، شیعه شناسی، شماره ۱۲، صص ۱۷۵-۲۱۲.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۶). *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی*، رسول جعفریان، تهران: نشر علم.
- جواهری، محمد رضا (۱۳۹۲). «دیدگاه امام رضا (ع) درباره حقوق اهل بیت و وظایف مردم در قبال امامان»، فرهنگ رضوی، سال اول، شماره ۱، صص ۸۶-۶۱.

- حسینی، سید جواد (۱۴۳۳). «فرهنگ غدیر در سخنان امام رضا علیه السلام»، *مبلغان*، شماره ۱۵۸، صص ۲۳-۳۷.
- حسینی، سید محمد حسین (۱۳۸۲). «امام شناسی دیدگاه امام هشتم (ع)»، *مبلغان*، شماره ۴۰، صص ۴۷-۳۹.
- حسینی، سید محمد حسین (۱۳۸۵). «مناظرات امام هشتم و دفاع از اهل بیت (ع)»، *مبلغان*، شماره ۸۵، صص ۲۱-۹.
- حیدر سرلک، علی محمد و مهریزی، مهدی (۱۳۹۱). «اشعریان و تاسیس نخستین دولت شهر شیعه»، *تشیع شناسی*، سال دهم، شماره ۳۹، صص ۸۰-۴۷.
- دفتری، فرهاد (۱۳۶۹). «نقد و بررسی کتاب روندهای مذهبی در ایران اسلامی آغازین»، *ایران نامه*، شماره ۳۰، صص ۳۲۱-۳۱۲.
- دهقان پور، زهره و علی بیات (۱۳۹۹). *اعراب مسلمان در ایران (۲)*، میبد: دانشگاه میبد.
- رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۹). «امامت عامه و خاصه در احادیث امام رضا علیه السلام»، *انتظار موعود*، سال دهم، شماره ۳۳، صص ۸۶-۵۵.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۱۲). *تاریخ الخلفاء*، محقق رحاب خضر عکاوی، بیروت: موسسه عزالدین.
- شوشتری، نورالله (۱۳۷۵). *مجالس المومنین*، تهران: کتابفروشی اسلامییه.
- صفری فروشانی، نعمت الله (۱۳۸۸). «تحلیلی بر قیام های علویان در دوره امام رضا علیه السلام و ارتباط آن با ولایتعهدی»، *تشیع شناسی*، شماره ۲۶، صص ۷۶-۵۷.
- ضیائی میرحسین و محمود یزدی مطلق فاضل و علی قربانی و عبدالکریم رضایی و محمد اسحاق عارفی و محمد قربان نیا و احد فرامرز قراملکی (۱۳۸۷). *امامت پژوهی دیدگاه امامیه معتزله و اشاعره*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- طباطبایی، محمد حسین (بی تا). *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸). *مجمع البیان لعلوم القرآن*، مصحح هاشم رسولی، فضل الله یزدی طباطبایی، بیروت: دارالمعرفه.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷). *تاریخ الأمم والملوک*، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۵۸). *تمهید الاصول در علم کلام اسلامی*، ج ۳۴، ترجمه و مقدمه و تعلیقات عبدالمحسن مشکوه الدینی، بی جا: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبیین الجامع لعلوم القرآن*، مصحح احمد حبیب عاملی، مقدمه نویسنده محمد محسن آقا بزرگ تهرانی، ناشر: بیروت، داراحیاء التراث العربی .
- عطاردی، عزیز الله (۱۴۰۶). *مسند امام رضا (ع)*، تجمیع و ترتیب شیخ عزیزالله عطاردی خوششانی، الموترم العالمی الامام الرضا (ع).
- فرشچیان، رضا (۱۳۸۴). *پیشگامان تشیع در ایران همراه با رویکردی تفصیلی به رجال اشعریان*، قم: زائر.
- فهری، سید ابوالحسن (۱۳۸۰). *فرهنگ المحيط*، تهران: یادواره کتاب.
- قاسم بن محمد (۱۹۸۰). *الاساس العقاید الاکیاس*، بیروت: بی نا.

قائدان، اصغر (۱۳۸۶). «علل و عوامل سیاسی و کلامی پیدایش فرقه های شیعه»، نامه تاریخ پژوهان، سال سوم، ش ۱۲، صص ۹۳-۱۲۱.

قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). *الجامع لاحکام القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
قلی پور، حسن (۱۳۸۵). «اهل بیت پیامبر علیهم السلام در قرآن و سنت»، معرفت، شماره ۱۰۸، صص ۲۳-۳۳.

قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱). *تاریخ قم*، تحقیق سید جلال الدین تهرانی، تهران: توس.
قندوزی (۱۴۱۶). *ینابیع الموده لدوی القربی*، تحقیق سید علی جمال اشرف الحسینی، چ ۱، دارالاسوه للطباعه و النشر.

کمپانی زارع، مهدی (۱۳۸۷). «امامت در مکتب عالم آل محمد (ص) (سیری در بیانات امام رضا (ع) در مساله امامت)»، *اطلاعات حکمت و معرفت*، شماره ۳۲، صص ۴۲-۴۷.

کنانی، تقوا؛ گل گلی، معصومه (۱۳۸۶). «اهل بیت علیه السلام در دیدگاه مذاهب چهارگانه»، *پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی*، شماره ۲۳، صص ۸۷-۱۱۴.

مادلونگ، ویلفرد (۱۳۷۲). «تشیع امامی و زیدی در ایران»، ترجمه رسول جعفریان، *کیهان اندیشه*، صص ۱۶۱-۱۴۹.

مادلونگ، ویلفرد (۱۳۷۷). *فرقه های اسلامی*، ترجمه ابوالقاسم سّری، تهران: انتشارات اساطیر.
مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، بیروت: موسسه الوفاء.

محمدی، مسلم؛ رضایی هفتادار، حسن؛ رحیمی ثابت، زینب (۱۳۹۵). «بازخوانی انتقادی رویکرد استشراقی به مفهوم شناسی اهل بیت (نقد مقاله اهل بیت در دایره المعارف قرآن لایدن)»، *اندیشه نوین دینی*، شماره ۴۵، صص ۵۸-۴۱.

مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین بن علی (۱۴۰۹). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق اسعد داغر، قم: دار الهجره.

موسوی نژاد، سید علی (۱۳۸۱). «کتاب های حدیثی منتشر شده از زیدیه»، *علوم حدیث*، شماره ۲۵، صص ۱۸۶-۱۵۶.

مؤلف مجهول (۱۳۶۶). *تاریخ سیستان*. تحقیق ملک الشعراء بهار، چ ۲، تهران: کلاله خاور.
مهاجر، شیخ جعفر (۱۴۲۹). *رجال الاشعریین من المحدثین و اصحاب الائمه علیهم السلام*، قم: مرکز العلوم و الثقافه الاسلامیه.

میرحسینی، یحیی (۱۳۹۲). *تعامل امام رضا (ع) با مهم ترین جریان های فکری- کلامی غیر شیعی: مجموعه مقالات ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا (ع)*، سرپرست علمی احمد پاکتچی، به اهتمام مرتضی سلمان نژاد، تهران دانشگاه امام صادق، ۲/ ۳۲۱-۳۵۰.

یعقوبی، احمد بن ابی واضح (بی تا). *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دار صادر.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۴۲۲). *البلدان*، بیروت: دار الکتب العلمیه.

Sharon, M., 2004 A, "People of the House", *Encyclopedia of the Quran*, Leiden, Brill.

Research Article

Crown Prince of Imam Rida (as) and its role in the evolution of the concept and example of Ahl Al-Bayt among Iranians

Zohreh Dehghanpour¹

Date of received: 2022/07/27

Date of Accept: 2022/09/16

Abstract

The issue of the present study is the effect of the crown prince and the emigration of Imam Rida (as) on the concept and example of Ahl Al-Bayt among Iranians. The question raised in this study is "Is it possible to differentiate between the concept and example of Ahl Al-Bayt among Iranians in the Umayyad period with the Abbasids, and especially in terms of the Crown Prince?". From the beginning of their acquaintance with Islam, the Iranians were interested in the family of the Prophet, and there is a lot of evidence to support this claim, but it seems that they did not make a special distinction between the children of the Prophet and the other Bani Hashim. Therefore, differences can be made between the concept and example of Ahl Al-Bayt among Iranians in the two periods of Umayyad and Abbasids, and especially after the presence of Imam Reza in Iran. With the presence of Imam Rida (as) in Iran and providing the ground for holding debates and discussions, especially through the discourse of the Imamate; The ground was prepared for introducing the Ahl Al-Bayt to the Iranians and distinguishing between the real Ahl Al-Bayt. Lack of independent research in this field; Highlights the necessity and importance of this research design. The research method in this research is descriptive-analytical and the method of collecting information is library and First-hand Islamic and Shiite sources and numerous sources have been used.

Keywords: Crown prince, Imam Rida (as), Ahl Al-Bayt, Imamate discourse, Iran.

Citation (APA 6th ed. / APSA)

Dehghanpour, Zohreh (2022). "Crown Prince of Imam Rida (as) and its role in the evolution of the concept and example of Ahl Al-Bayt among Iranians". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 5, Num. 3, S.No. 19, pp. 43-64.

¹. Assistant Professor, Department of Iranian Studies, Faculty of Humanities, Meybod University, Meybod, Iran.

Email: dehghanpour@meybod.ac.ir

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

References

The Holy Quran

- Ibn Athir, Ali Ibn Muhammad (1385). Al-Kamel fi al-Tarikh, Beirut: Dar Sayder-Dar Beirut. (in Persian)*
- Ibn Babuyeh, Muhammad bin Ali (1404). Ayoun Akhbar Al-Reza (PBUH), corrected and suspended and presented by Sheikh Hossein Al-Alami, Beirut: Al-Alami Press Institute.*
- Ibn Babuyeh, Muhammad bin Ali (1405). Kamal al-Din and Tammam al-Naimah, sahha wa alaq against Ali Akbar Ghafari, Qom: Bina. (in Persian)*
- Ibn Qutaiba Dinuri, Abu Muhammad Abdullah bin Muslim (1410). Al-Imamah and Al-Siyasa al-Moruf in the history of the caliphs, Ali Shiri's research, Beirut: Dar al-Awtah, vol.*
- Ibn Kathir, Ismail Ibn Umar (Beita). Tafsir al-Qur'an al-Azeem, scholar Muhammad Hossein Shams al-Din, Lebanon: Dar al-Kitab al-Alamiya, pamphlets of Muhammad Ali Bizoun.*
- Ibn Manzoor (Bita). Al-Arab, Beirut: Dar al-Asq.*
- Shpoler, Bertold (1369). History of Iran in the first Islamic centuries, volumes 1 and 2, translated by Javad Falaturi (volume 1) and Maryam Mir Ahmadi (volume 2), Tehran: Scientific and Cultural Publications.*
- Akbari, Amir and Bahman Barati Dasht Beyaz (1386). "The role of Imam Reza (a.s.) in religious unity and Islamic unity in the Abbasid era", Mishkwah, numbers 96 and 97, pp. 34-46. (in Persian)*
- Anis, Ibrahim, Abdul Halim Muntaser, Atiyeh Al-Sawalhi, and Mohammad Khalaf Ahmed (2012). Al-Wasit Dictionary, translated by Mohammad Bandar Rigi, Qom: Islamic Publications. (in Persian)*
- Bashir, Hassan (2012). Imam Reza (a.s.) and the discourse of imamate: a collection of essays on aspects of the personality and life of Imam Reza (a.s.), scientific supervisor Ahmad Paktachi, edited by Morteza Salmannejad, Imam Sadiq University, Tehran, 2/147-280. (in Persian)*
- Bahrami, Ruhollah (1383). The intellectual and political roots of the Kisani movement and its role in the decline of the Umayyad caliphate (Doctoral dissertation, Tarbiat Modares University) This thesis is in the form of a book titled Kisaniyya, intellectual currents and political struggles (new reflections on the decline of the Umayyads and the rise of the Abbasids)) has been published in the publications of Islamic History Research Institute in 2014) . (in Persian)*
- Beidawi, Abdullah bin Omar (Bita). Anwar al-Tanzil and Asrar al-Tawil (Tafsir al-Baydawi), Beirut: Darahiya al-Trath al-Arabi.*
- History of Sistan, author unknown (1366). Malik al-Shaarai Bahar research, Ch. 2, Tehran: Kalaleh Khavar. (in Persian)*
- Torabi, Ahmed (2012). "The place of Imamate from the point of view of Imam Reza (a.s.)", Mishkwah, No. 80, pp. 4-20. (in Persian)*

- Turkmen Azar, Parvin (2004). "Political activity of Twelver Shiites in Iran (from the arrival of Muslims to the formation of the Safavid government)", *Shiism*, No. 12, pp. 175-212. (in Persian)
- Jafarian, Rasool (2006). *The history of Shiism in Iran from the beginning to the rise of the Safavid state*, Rasul Jafarian, Tehran: Alam Publishing.
- Javaheri, Mohammad Reza (2012). "The view of Imam Reza (a.s.) on the rights of the Ahl al-Bayt and the duties of the people towards the imams", *Farhang Razavi*, first year, number 1, pp. 61-86. (in Persian)
- Hosseini, Seyed Javad (1433). "Ghadir culture in the words of Imam Reza, peace be upon him", *Missionaries*, No. 158, pp. 23-37. (in Persian)
- Hosseini, Seyyed Mohammad Hossein (1382). "Imamology from the perspective of the 8th Imam (a.s.)", *Missionaries*, No. 40, pp. 47-39. (in Persian)
- Hosseini, Seyyed Mohammad Hossein (1385). "The debates of the eighth Imam and the defense of the Ahl al-Bayt (a.s.)", *Missionaries*, No. 85, pp. 9-21. (in Persian)
- Haider Sarlak, Ali Mohammad and Mehrizi, Mahdi (2012). "Ash'aris and the establishment of the first Shia city-state", *scientific-research quarterly of Shia studies*, 10th year, number 39, pp. 47-80. (in Persian)
- Doferi, Farhad (1369). "Criticism of the book "Religious Trends in Early Islamic Iran", *Iran Nameh*, No. 30, pp. 321-312. (in Persian)
- Dehghanpour, Zohra and Ali Bayat (2019). *Muslim Arabs in Iran (2)*, Meibod: University of Meibod. (in Persian)
- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali (1389). "Public and Special Imamate in the Hadiths of Imam Reza (peace be upon him)", *Intezir Mouwad*, Year 10, Number 33, pp. 55-86. (in Persian)
- Siyuti, Abdurrahman bin Abi Bakr (1412). *History of the Caliphs*, researcher Rehab Khizr Akavi, Beirut: Ezzeddin Institute.
- Shushtri, Nurullah (1375). *Majlis al-Mu'minin*, Tehran: Islamia bookstore.
- Safari Forushani, Nematullah (1388). "An analysis of the Alawite uprisings during the period of Imam Reza (peace be upon him) and its relationship with the Ahedi Province", *Shia Science*, No. 26, pp. 76-57. (in Persian)
- Ziaei Mirhossein, Mahmoud Yazdi, Motlagh Fazel, Ali Ghorbani, Abdul Karim Rezaei, Mohammad Ishaq Arefi, Mohammad Qurbannia, and Ahad Faramarz Qaramlaki (2007). *Research Imamate of Mu'tazila and Ash'are Imamia*, Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences. (in Persian)
- Tabatabaei, Mohammad Hossein (B.T.A.). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, Beirut: Al-Alami Press Institute.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan (1408). *Majma al-Bayan Uloom al-Qur'an*, revised by Hashem Rasouli, Fadlullah Yazdi Tabatabai, Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Tabari, Abu Jaafar Muhammad bin Jarir (1387). *The history of the nations and the kings, the research of Muhammad Abu al-Fazl Ibrahim*, Beirut: Dar al-Tarath.
- Tusi, Muhammad bin Hassan (1358). *Tahmid al-Usul in Islamic Islamic Science*, vol. 34, translation and introduction and notes by Abdul Mohsen

- Mashkoh al-Dini, bija: Islamic Association of Hikmat and Philosophy of Iran. (in Persian)*
- Tusi, Mohammad bin Hasan (B.T.A.). Al-Tabayan Al-Jamee Uloom al-Qur'an, revised by Ahmad Habib Ameli, preface by Mohammad Mohsen Agha Bezoor Tehrani, Publisher: Beirut, Darahiya Al-Trath Al-Arabi.*
- Attardi, Azizullah (1406). Masnad of Imam Reza (a.s.), compiled and organized by Sheikh Azizullah Atardi Khabushani, Al-Tamar al-Imam al-Reza (a.s.) . (in Persian)*
- Farshchian, Reza (1384). The pioneers of Shiism in Iran with a detailed approach to the Ash'ari men, Qom: Zaer. (in Persian)*
- Fahri, Seyyed Abulhasan (2010). Farhang al-Mohait, Tehran: Yadavare Kitab. (in Persian)*
- Qasim bin Muhammad (1980). Al-Asas al-Aqeed al-Akias, Beirut: Bina.*
- Qaidan, Asghar (2006). "Political and theological causes and factors of the emergence of Shiite sects", Tarikh Pajohan, third year, vol. 12, pp. 121-93. (in Persian)*
- Qurtobi, Muhammad bin Ahmad (1364). Al Jame Lahkam al-Qur'an, Tehran: Nasser Khosrow. (in Persian)*
- Qolipour, Hassan (1385). "The Prophet's Family in the Qur'an and Sunnah", Marafat, No. 108, pp. 23-33. (in Persian)*
- Qomi, Hassan bin Muhammad (1361). History of Qom, researched by Seyyed Jalaluddin Tehrani, Tehran: TOS. (in Persian)*
- Kundozi (1416). Yanabi Al-Moudah Lazavi al-Qorabi, research by Seyyed Ali Jamal Ashraf Al-Husseini, Ch. 1, Dar al-Asaweh for Printing and Publishing. (in Persian)*
- Zare Company, Mehdi (1387). "Imamate in the School of the Scholars of Al-Muhammad (pbuh) (a survey of the statements of Imam Reza (pbuh) on the issue of Imamate)", Information of Hikmat and Knowledge, No. 32, pp. 47-42. (in Persian)*
- Kanani, piety; Sharon, M., 2004 A, "People of the House", Encyclopedia of the Quran, Leiden, Brill. (in Persian)*

پیشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دفتر نشر و مکتبہ